

صد زبان کودکی

درک رویکرد آموزشی رژیو امیلیا

فلسفه آموزشی خلاقِ کودک محور

با دیدگاه روانشناسی انسان‌گرا

مرسده عامری

فهرست

مقدمه . ۵

راهنمای استفاده از این کتاب برای اجرای رویکرد رژیو امیلیا . ۹

چرا آشنایی با رویکردهای آموزشی دارای اهمیت است؟ . ۱۰

بخش اول . آشنایی با رژیو امیلیا . ۱۳

بخش دوم . افراد تأثیرگذار بر رویکرد رژیو امیلیا . ۲۳

بخش سوم . روان‌شناسی انسان‌گرا، رفتارگرا، شناختی و رویکردهای

آموزشی برگرفته . ۹۵

بخش چهارم . ویژگی‌های رویکرد رژیو امیلیا . ۱۲۹

بخش پنجم . برنامه‌درسی شکوفا . ۱۸۷

بخش ششم . پروژه . ۱۹۹

بخش هفتم . محیط به عنوان مربی سوم . ۲۲۱

بخش هشتم . آتلیه . ۲۵۹

بخش نهم . مشاهده و مستندسازی، پرتفولیو . ۲۸۱

بخش دهم . اجرای رویکرد رژیو در خانه . ۳۰۳

مقدمه

آموزش اوان کودکی در تمام دنیا از ارزش خاصی برخوردار است. از آنجا که در سال‌های اخیر پای استفاده از شیوه‌های آموزشی و تربیتی خلاق به ایران نیز باز شده است، بسیاری تلاش می‌کنند تا این شیوه‌ها را بیاموزند و از آنها برای آموزش کودکان استفاده کنند.

تعدادی کتاب با محتوای رویکرد آموزش رگیو امیلیا در ایران ترجمه و چاپ شده که محتوای آنان ناقص است یا ترجمه‌ها به علت متخصص نبودن مترجم در حوزه کودک و نیز در حوزه این رویکرد آموزشی، دارای خطاهای فراوان است. بعد از مطالعه و بررسی این کتاب‌ها بر آن شدم که برای مخاطبان علاقمند کتابی بر اساس منابع معتبر و قابل اجرا تألیف و تدوین کنم. این کتاب با تحقیق از منابع متعددی گردآوری شده و بر اساس تجارب شخصی در کار با کودکان بر اساس رویکرد رگیو و تدریس به مربیان و حتی خانواده‌های ایرانی، شکل گرفته است. در هنگام تدریس این رویکرد به مدیران، مربیان و مادر و پدران علاقه‌مند، متوجه شدم که بیشتر آنها از مفاهیم پایه مرتبط با این رویکرد ناآگاه هستند یا اطلاعات کمی درباره آن دارند. بر اساس این تجربه‌ها تصمیم گرفتم تا همه این مفاهیم را به صورت خلاصه در این کتاب بگنجانم تا علاقه‌مندان بتوانند این رویکرد را تا جای ممکن عمیق‌تر فرا بگیرند. این مفاهیم به صورت خلاصه در کتاب آمده‌اند و سرنخ‌هایی هستند برای اینکه بیشتر درباره آنها در اینترنت و کتاب‌های مرجع خوبی که به فارسی هم ترجمه شده‌اند، جستجو کنید.

آنچه ما از رویکرد رگیو امیلیا می‌آموزیم، تنها وارد کردن این مفهوم به آموزشگری^۱ یا استفاده از دستورالعمل‌های جدید برای آموزش نیست، بلکه بررسی این نکته است که امروزه کودکان در چه شرایطی رشد می‌کنند و چگونه می‌توان با توجه به حقوق، نیازها و توانایی‌هایشان، آنها را از حمایت مناسب در مراکز آموزشی کودکان برخوردار کرد. رویکرد رگیو رویکردی است که هم نگاهی جزء به کل دارد و هم کل به جزء. کودک هم به عنوان فردی منحصر به فرد، ارزشمند است، هم به عنوان عضوی مهم از جامعه که تأثیرگذار است. نگاه به کودک به عنوان یک شهروند، چیزی است که در ایران بسیار به آن نیاز داریم.

۱. آموزشگری (آموزش‌شناسی) شاخه‌ای از علوم انسانی است که به موضوع آموزش و پرورش افراد می‌پردازد و موارد زیادی از جمله یادگیری، رشد، به‌کارگیری و تقویت نیروهای فکری و بدنی و غیره را مورد بررسی قرار می‌دهد. هر چه که به نوعی به تعلیم و تربیت انسان‌ها مربوط می‌شود.

رویکرد به معنی دیدگاه، عقیده، مکتب، نظر و طرز فکر است، گونه‌ای از رفتار است که باید نهادینه شود. تا زمانی که یک رویکرد به عنوان رفتار در ما نهادینه نشود و درک درستی از اینکه چرا آن را می‌آموزیم و انجام می‌دهیم نداشته باشیم، نمی‌توانیم آن را با کیفیت و مستمر به انجام برسانیم. کردار، فعالیت پیچیده‌ای است که افراد به کمک آن، فرهنگ و جامعه را خلق می‌کنند و تبدیل به انسان‌های آگاه و منتقد می‌شوند. کردار شامل چرخه **عمل، بازاندیشی** و **عمل** است و آگاهی‌بخشی بدون کردار بی‌معناست.

در بخش اول کتاب به معرفی روان‌شناسان تأثیرگذار بر این رویکرد به ترتیب تاریخ تولد پرداخته‌ام و نظریه‌های مهمی از آنان که آثارشان همچنان در رویکرد رژیو امیلیا دیده می‌شود را آورده‌ام. در این معرفی خلاصه، کوشیده‌ام، نظریه‌های مرتبط با رویکرد رژیو امیلیا را لحاظ کنم تا خوانندگان بتوانند بیشترین بهره را از درک ارتباط بین این روان‌شناسان و نظریه‌پردازان با رویکرد رژیو امیلیا و نیز دلایل روان‌شناختی فعالیت‌های متفاوت در این رویکرد ببرند و آن را بهتر بفهمند. طبیعی است که خوانندگان می‌توانند بر اساس علاقه خود، برای مطالعه بیشتر دربارهٔ این افراد به منابع معتبر مراجعه کنند. همچنین برای ایجاد تفکر عمیق‌تر، در مواردی به بررسی مقایسه‌ای نظرات و پژوهش‌ها پرداخته‌ام.

امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته، رویکردهای آموزش خلاق کودک محور جزئی از برنامه اصلی نظام آموزش و پرورش است. هر چند که هنوز راه داری است تا سیستم‌های رفتارگرا از سیستم‌های سنتی آموزش و پرورش رخت بر ببندد. رویکردهای آموزشی انسان‌گرا و کودک‌محور بر فلسفه آموزش مشارکتی و هم‌یاری کودکان و مریدان استوار است. در این شیوه‌های آموزشی، به رشد یکپارچه کودک که شامل رشد هوشی، هیجانی، اجتماعی و زبانی است، توجه می‌شود. این برنامه‌های آموزشی، با توجه به رغبت و گرایش کودکان طراحی می‌شوند. در حالی که در شیوه آموزش سنتی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به صورت دستوری است و اکثر اوقات توجهی به رغبت و گرایش کودکان ندارد. آموزش خلاق کودک محور، واگرایانه است ولی آموزش و پرورش سنتی، بر پایه هم‌گرایی و یکسان دیدن همه کودکان برنامه‌ریزی شده است. در آموزش و پرورش واگرا، هر کودک یک جهان متفاوت است که نیازها و گرایش‌های ویژه خود را دارد. یکی از این رویکردهای خلاق آموزشی رویکرد رژیو امیلیا است که بر نقش جامعه در پرورش کودکان تأکید بسیار دارد. رویکرد رژیو یک مفهوم نیست، بلکه راه دیگری برای تفکر در مورد کودکان است. یک راه تفکر که می‌تواند در هر فرهنگی یافت شود و توسعه یابد. این رویکرد آموزشی بسیار وابسته به فرهنگ و جامعه است، بنابراین در هر فرهنگ و موقعیت جغرافیایی می‌تواند تغییر کند و خود را با آن وفق دهد.

نکته دیگری که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است، توجه به معماری و ساختمان، معماری داخلی و چیدمان فضاهای آموزشی است. برای چند دهه مهندسين، معماران، روان‌شناسان و آموزش‌دهندگان، نقش نور و رنگ و بازی را در محیط ساخته‌شده در یادگیری و رفتارهای موفق اجتماع مورد توجه قرار دادند. مطالعات، همچنین بر تأثیرات منفی سروصدای زیاد در محیط‌های یادگیری تأکید می‌کنند. در واقع محیط یادگیری مؤثر، محیطی است که در کنار مؤلفه‌های دیگر تأثیرگذار در امر آموزش کودکان مانند برنامه درسی، آموزگاران و غیره تأثیر مهمی در امر آموزش کودک داشته باشد. هر چند که محیط فیزیکی مدرسه تنها یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در یادگیری است؛ اما می‌توان گفت مهمترین مؤلفه در یک محیط فعال یادگیری به شمار می‌رود (ترکمان، ۱۳۹۵). از این رو در این کتاب به فضای یادگیری، چیدمان فضا و زیبایی‌شناسی نیز پرداخته شده است.

امید است که با مطالعه این کتاب دید جدیدتری به آموزش پیدا کنیم، ارزش‌ها و عقاید خود را دوباره مورد بررسی قرار دهیم و بازتعریف کنیم و بدانیم که آموزش و پرورش خوب، سرشار از شگفتی و یادگیری دوطرفه است. پیروی یا الهام گرفتن از یک رویکرد تنها در صورتی به طور عمیق اتفاق می‌افتد که ما به آن معتقد باشیم و آن را به صورت عادت و رفتار خود درآوریم و به دنبال آموختن مداوم باشیم. ما به عنوان مربی نباید فقط از کودکان نگهداری کنیم بلکه باید آنها را به صورت شهروندان یک جامعه ببینیم و پرورشان دهیم تا مانند گل‌های یک باغ بیابند و رابحه منحصر به فردشان در جامعه بیچند. از آنجا که دنیای ما هر لحظه در حال تغییر است و علوم و دانش جدید مدام پدید می‌آیند، مهارت یادگیری و اهمیت کسب درست این مهارت، بسیار زیاد است. در این کتاب می‌بینیم که ساختن دانش فردی چقدر اهمیت دارد و با یادگرفتن یادگیری آشنا می‌شویم. همچنین می‌آموزیم سعی و خطا کنیم. خطا کردن و شکست خوردن بر عکس آنچه سیستم آموزشی رفتارگرا و جامعه به ما یاد داده، برای یادگیری بسیار اثربخش‌تر و مفیدتر از کسب موفقیت پی‌درپی و پیش‌رفتن بدون خطا است.

از زمانی که با این رویکرد آشنا شدم، آن را بسیار نزدیک به روش مربیگری خودم یافتیم و هر چه بیشتر از آن دانستم، بیشتر به قلم نشست. آموزه‌های رگیو به نظرم به آموزه‌های ذن و تائوت چینگ نزدیکند و فرد را به زندگی در لحظه و لذت بردن از دقایق تشویق می‌کنند. چیزی که در زندگی ماشینی و پرسرعت امروز، بسیار به آن نیاز داریم.

نکته دیگری که می‌خواهم در این مقدمه به آن بپردازم، اجرای رویکرد رگیو امیلیا یا در واقع الهام گرفتن از آن در کشورهای مختلف است. برخی مادر و پدرانی که با این رویکرد آشنایی پیدا می‌کنند، در جستجوی مراکز آموزشی با رویکرد رگیو در ایران هستند تا فرزندشان را در مهد کودک

یا دبستانی ثبت نام کنند. از آنجا که هیچ مرکزی نمی تواند آموزه های رجوی را یک به یک اجرا کند و هیچ نظام ارزیابی مشخصی برای آن وجود ندارد، پس نمی توان فقط بر این اساس که مهد کودک یا مدرسه ای از این رویکرد الهام گرفته، آن را مناسب دانست. مناسب بودن یک مرکز آموزشی به عوامل بیشماری وابسته است که تنها یکی از آنها انتخاب رویکرد آموزشی است.

نکته بعدی آن است که در انتخاب رویکرد آموزشی برای کارتان با کودکان به عنوان مربی یا برای آموزش فرزندتان، تعصب نداشته باشید. هر رویکرد یا روشی، ممکن است نکاتی داشته باشد که برای کودک مورد نظر شما مناسب نباشد یا با محیط اجتماعی و فرهنگی ای که در آن زندگی می کنید، تطابق نداشته باشد. برخی افراد با رویکردهای آموزشی، مانند یک مذهب یا فرقه رفتار می کنند. آن ها تلاش می کنند که آن رویکرد یا روش را مویه مو اجرا کنند و آن را به گونه ای مقدس می پندارند که تخطی از هر بخشش، می تواند نابخشودنی باشد. به همین دلیل برخی رویکردهای آموزشی، مانند والدرف، منتقدانی دارد که معتقدند این رویکرد بیشتر یک فرقه است تا یک رویکرد آموزشی. در روش مونتسوری نیز عده ای آنقدر درگیر آن هستند که مهره ها را در ظرف های مشخص بچینند و به طور حتم باید آن ها را از راست به چپ و از بالا به پایین مرتب کنند و باید چیدمان ها در یک سینی انجام شوند و تا چنین و چنان نباشد قابل قبول نیست که از اصل ماجرا غافل می شوند. ما باید تا جای ممکن، در انتخاب و اجرای آموزش برای کودکان، بی تعصب و بی قضاوت باشیم و تمام تلاشمان را به کار گیریم تا آنها آنچه را که برای خودشان خوب است دریافت کنند، نه آن چیزی را که ما فکر می کنیم آنها حتما باید یاد بگیرند. ما باید همیشه آماده این باشیم که دانسته های کهنه مان را دور بریزیم و چیزهایی را باز بیاموزیم.

در اینجا از دوستان و یارانی که من را در تهیه این کتاب یاری کردند کمال تشکر دارم. از مادرویدرم سپاسگزارم که شرایطی را فراهم کردند تا از مرزها عبور کنم و دانش پرورش کودکان را فرا بگیرم. از دوست خوبم کریستین بسیار سپاسگزارم که تلاش های بسیاری کرد تا به منابع بیکران دانش دسترسی پیدا کنم و شرایطی سرشار از آرامش هنگام نوشتن کتاب داشته باشم. از دوست خوبم دکتر احسان احمدی سپاسگزارم که همیشه همراه خوبی در راه کسب دانش برای من بوده است و مرا با مقالاتی در حوزه معماری فضاهای مناسب برای کودکان آشنا کرد.

در این کتاب کلمه مادرویدر به صورت چسبیده به هم و یک کل واحد آمده است. به این دلیل که در زبان فارسی کلمه ای واحد که هم به مادر و هم به پدر اشاره کند، کمه ای مثل والدین در عربی یا Parent در انگلیسی یا Eltern در آلمانی، موجود نیست، تصمیم گرفتم این دو کلمه را با نیم فاصله و چسبیده به هم بنویسم تا شاید کمی این خلاء را پر کند.

مرسده عامری

وین، زمستان ۱۴۰۰

برداشتن گامی نو در پرورش کودک و هم‌آموزی با او

راهنمای استفاده از این کتاب برای اجرای رویکرد رژیو امیلیا

برای اینکه یک رویکرد به روش زندگی ما تبدیل شود و آن را در واقع زندگی کنیم نیاز داریم که به طور عمیقی آن را بفهمیم. برای فهم عمیق آن، مهم است که بدانیم چه رفتارهایی در این راستا سازنده و چه رفتارهایی غیر سازنده هستند. به این منظور مطالعه نکات بخش رفتارگرایی بسیار ضروری است و به ما کمک می‌کند از رفتارهای غیرسازنده دوری کنیم.

پیشنهاد می‌کنم کتاب را به ترتیب و صفحه‌به‌صفحه پیش بروید. در بخش اول، نظریات تأثیرگذاران بر این رویکرد آمده است. در این بخش، تنها نظریاتی از روان‌شناسان، متفکران و مربیان انتخاب شده که به طور مستقیم بر روی نحوه شکل‌گیری تفکر رویکرد رژیو امیلیا تأثیر داشته‌اند؛ پس دانستن جزئیات آنها به اجرای هر چه بهتر این رویکرد، به شما کمک می‌کند. تأثیرگذاران، بر اساس سال تولدشان معرفی شده‌اند تا بتوان در مواردی پیگیری کرد که چه کسانی از کدام پیشینیان‌شان الگو گرفته‌اند و پایه اصلی نظراتشان بر چه اصولی پایدار است.

چرا آشنایی با رویکردهای آموزشی دارای اهمیت است؟

تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان تا حدود زیادی در گرو توجه به رویکردهای آموزشی، به ویژه در سال‌های نخست زندگی است. با توجه به اینکه آموزش رسمی از مقطع پیش‌دبستانی آغاز می‌شود و عملکرد این مراکز آموزشی زمینه‌ساز ورود کودکان به مدرسه و سپس جامعه است، نیاز است که در سال‌های اولیه زندگی به تقویت مهارت‌های اجتماعی پرداخته شود. در ایران به دلیل نوپا بودن این مقطع تحصیلی هنوز دستورالعمل آموزشی مشخص، استاندارد و مطمئنی که مهارت‌های اجتماعی را در کودکان نهادینه کند، تعریف نشده است. پیامدهای این ضعف ساختاری، موجب افزایش آسیب‌ها و اختلالات عاطفی-هیجانی در کودکان پیش‌دبستانی و سرایت آن به سال‌های نوجوانی شده است؛ به طوری که مسئله اضطراب جدایی کودکان از مادر و پدر، فرار از مدرسه، رفتار پرخاشگرانه، بی‌علاقگی به درس و یادگیری، گوشه‌گیری، افسردگی و بهانه‌جویی در از کودکان سبب نگرانی مادر و پدر و مریمان شده است. طبق گزارش یونیسف میزان استرس و اضطراب کودکان در مدارس کشورهای جهان سوم یک و نیم برابر بیش از کشورهای توسعه‌یافته است (گزارش جامع یونیسف، ۲۰۱۹). رودلف اشتینر دلیل چنین بحران‌هایی را عدم رشد مهارت‌های عاطفی-اجتماعی و عدم تثبیت احساسات در کودکان می‌داند که مانعی بزرگ در رشد ادراک اجتماعی کودکان است. وجود دانش‌آموزانی که فاقد میزان قابل قبولی از خلاقیت، پرسشگری، تعیین هدف، حل مسأله و ارتباط مطلوب هستند، تنها محدود به مقطع دبستان نیست، بلکه دانش‌آموزان منفعلی که تبدیل به یک گیرنده اطلاعات و فاقد توانایی پردازش و تجزیه و تحلیل مطالب شده‌اند، در مقاطع بالاتر هم قابل مشاهده است. آگاهی از رویکردهای آموزشی نه تنها به ما در فراهم آوردن شرایط رشد یکپارچه‌تر و سالم‌تر فرزندانمان یاری می‌رساند، بلکه باعث آگاهی ما از نوع آموزشی که فرزندانمان در محیط‌های آموزشی می‌بیند، می‌شود. هر چه آگاهی ما بیشتر باشد، بهتر می‌توانیم جلوی صدمات ناشی از آموزش نادرست را بگیریم.

به‌طور کلی در نظام‌های آموزشی رفتارگرا، هدف از تحصیل و آموزش ارتقای دستاوردهای آموزشی دانش‌آموزان است و نمره مهمترین ملاک برای سنجش سطح دانش دانش‌آموزان. اما وابستگی سیستم آموزشی به نمره، نگاهی تک بعدی به ذهن دانش‌آموز است و او را به ماشین

بخاطر سپاری اطلاعات و بازگویی حفظیات در امتحان‌های کتبی و شفاهی تبدیل می‌کند، کمیت‌گرایی را ترویج می‌دهد و افرادی وابسته به کتاب و جزوه پرورش می‌دهد که جستجوگر و خلاق نیستند و نظرات معلم و نظرات مندرج در کتاب درسی را مطلق، بی‌چون و چرا و پرسش‌ناپذیر می‌پندارند. وجود نمره و تاکید بر آن در نظام آموزشی سبب می‌شود ماهیت مدرسه از محیطی برای پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی یادگیرندگان به فضایی برای افزایش دانش نظری آن‌ها تبدیل شود بی‌آنکه فرصت‌چندانی برای پرورش مهارت‌هایی جز حفظ کردن و به خاطر آوردن حفظیات فراهم کند. در حقیقت، شیوه‌های یادگیری‌ای که **تنها** بر اساس نمره شکل گرفته‌اند، **یادگیری منفعلانه** را رواج می‌دهند، بار آموزش دادن را بر دوش معلم می‌گذارند و دانش‌آموز را به پذیرنده‌ای صرف در کلاس درس تبدیل می‌کنند. نتیجه این سیستم، معلم را در جایگاه دانای کل قرار می‌دهد و اوست که باید برای هر مشکل و مسئله چاره‌جویی کند. آنچه در نتیجه این شیوه آموزش رخ می‌دهد این است که:

- مهارت تجزیه و تحلیل در دانش‌آموزان ضعیف می‌ماند
- دانش‌آموزان به شهروندانی منفعل و پذیرنده تبدیل می‌شوند
- قضاوت‌گری و یک‌سویه‌نگری در دانش‌آموزان تقویت می‌شود
- مهارت تعمیم‌آموزه‌های مدرسه به اتفاق‌های مرتبط در دنیای واقعی و زندگی روزمره تقویت نمی‌شود
- تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و سبک‌های مختلف برای هر کدام در یادگیری نادیده گرفته می‌شود

در آموزش و پرورش کودکان باید تحولی بنیادین صورت بگیرد. تحول اساسی و پایدار در هر جامعه، در گرو متحول شدن نظام آموزش و پرورش آن جامعه است. تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تغییراتی عمیق و ریشه‌ای است که به تحول مفاهیم نظری، نگرش‌ها، فرآیندها، نقش‌ها و کارکردها منجر خواهد شد. در تحول بنیادین، نوع نگاه به معلم، کتاب، مدرسه، کلاس، نوع تدریس و دانش‌آموزان، دگرگون خواهد شد. برای ایجاد این تحول، به دانش، تجربه و نگاهی نو نیاز داریم.

آنچه در این بخش می‌خوانید

- توسعه تاریخی و شرایط اجتماعی در رجیو امیلیا . ۱۵
- نگاهی کوتاه به رویکرد رجیو امیلیا . ۱۸
- تفکر نقاد . ۲۰

بخش اول

آشنایی با رجیو امیلیا



ایتالیا پنجمین کشور پرجمعیت اروپا و بیست و سومین کشور پرجمعیت دنیا است. ایتالیا آب‌وهوای معتدل فصلی دارد و آب‌وهوای مناطق ساحلی آن با شرایط هوایی کوهستان‌های داخلی تفاوت زیادی دارد. دو کشور مستقل بسیار کوچک به نام‌های واتیکان و سن‌مارینو درون خاک ایتالیا قرار دارند و بخشی از ایتالیا نیز بیرون از خاک این کشور و در کشور سوئیس قرار دارد که کامپونه د ایتالیا نامیده می‌شود.

توسعه تاریخی و شرایط اجتماعی در رجیو امیلیا^۲

این رویکرد نامش را از شهر رجیو امیلیا که در آن بالیده و گسترش یافته، گرفته است. با این شباهت اسمی بین شهر و رویکرد، بر روی ارتباط تنگاتنگ بین این مفهوم آموزش و شرایط موقعیتی شهر تأکید می‌شود.

این شهر مرکز استان امیلیا رومانا است و ۵۰ کیلومتر با شهر بولونیا فاصله دارد. رجیو امیلیا با حدود ۱۷۲۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۲۰۲۲ یکی از ثروتمندترین جوامع ایتالیا و یکی از مراکز مهم کشاورزی است. در این شهر یکی از معروف‌ترین پنیهای پارمزان دنیا تولید می‌شود، باغ‌های انگور فراوان وجود دارد و سرامیک به عنوان صنایع دستی تولید می‌شود. همچنین جاده‌های متعددی به شهرهای همسایه از آن عبور می‌کنند. فرهنگ، بخشی جدایی‌ناپذیر از شهر رجیو امیلیا است و باله، اپرا و تئاترهای این شهر، شهرتی ملی دارند. موقعیت فرهنگی و جغرافیایی از یک سو و وجود امکانات غنی فرهنگی از سوی دیگر، شبکه‌ متنوعی از خدمات اجتماعی را شکل می‌دهد که بر روی کیفیت زندگی افراد تاثیر می‌گذارد.

بعد از جنگ جهانی دوم، مادر و پدرها اولین مهدکودک را به دست خود و به جای خرابه‌ها، در منطقه‌ای کاملاً مخروبه در منطقه ویلا چلا در حوالی شهر رجیو امیلیا بنا کردند و هزینه‌های ساخت آن را از راه فروش غنائم جنگی تامین کردند. این تصمیم به صورت گروهی و برای بهبود کیفیت زندگی کودکان و خانواده‌ها بعد از جنگ گرفته شد و زنان در این رأی‌گیری اکثریت آراء را داشتند. در آن زمان کشور ایتالیا نیاز مبرمی به بازسازی و نیز بازتعریف هویت اجتماعی خویش داشت و تلاش جمعی برای تبدیل شدن به جامعه‌ای مولد و مراقب وجود داشت. این تلاش در ادبیات و نیز حرکت‌های اجتماعی زنان ایتالیا مشهود است.

تاریخ‌های مهم در رویکرد رجیو امیلیا^۳

- به سال ۱۸۶۰، گشایش اولین مهدکودک دولتی شهری.
- به سال ۱۹۱۲، گشایش اولین مهدکودک با تمرکز بر تغذیه سالم، همچنین به وجود آمدن اولین نهاد آموزشی‌ای که توسط مربیان دوره دیده اداره می‌شد.

.Dreier. ۲۰۱۵. ۲

Brockschnieder ۲۰۱۷. ۳

- به سال ۱۹۴۵، با پایان یافتن رسمی جنگ جهانی دوم، اولین ساختمان مهدکودک توسط شهروندان به صورت خودجوش بنا شد.
- به سال ۱۹۶۰، شهرداری شهر رجیو امیلیا مسئولیت مدیریت شبکه مهدهای کودکی کودکان ۳ تا ۶ ساله را بر عهده گرفت.
- به سال ۱۹۷۰، مهمترین سال در تاریخ شکل‌گیری این رویکرد بود. بر اساس نیاز مادران شاغل، شبکه آموزشی گسترده‌تر شد و مراکزی نیز برای آموزش و پرورش نوزادان و کودکان نوپای ۳ ماهه تا ۳ ساله شکل گرفت. همچنین اداره‌ای مرکزی به مدیریت لوریس **مالاگوتزی** شکل گرفت. در همان سال، ماریانو دالچی کار خود را (کار موقت که خیلی زود به کار تمام وقت تبدیل شد) به عنوان یک عروسک‌گردان در مهدکودک رجیو شروع کرد. علاوه بر این، اولین مربیان هنر نیز استخدام شدند تا در آتلیه‌ها با کودکان کار کنند.
- در مهدهای کودک، هر کودکی پذیرفته می‌شود و اولویت ثبت‌نام با کودکان با حقوق خاص (نیازهای خاص) است. **مالاگوتزی** از سال ۱۹۷۶ کودکان را با هر توانایی برای ثبت‌نام می‌پذیرفت. در تمامی متون ارائه شده توسط رجیویی‌ها، منظور از کودک، تمام کودکان است، فارغ از توانایی یا حقوق و نیازهای‌شان.



- در سال ۱۹۸۵ کارلا رینالدی، به جای لوریس مالاگوتزی، مدیریت مرکز آموزشی را به عهده گرفت.
- در سال ۱۹۹۶ مرکز بازیافتی تاسیس شد که مواد بازیافتی تمیز مانند کاغذ، مقوا، جعبه، سرامیک، پلاستیک، رنگ، چرم، چوب، آهن، سیم و پارچه را که از کارخانه‌ها جمع‌آوری می‌شود، در آنجا انبار می‌کنند تا مریدان بتوانند برای پروژه‌های مختلف از این مواد استفاده کنند. این مرکز همچنان مشغول به کار است و به ۳۰۰ مهدکودک و مدرسه خدمات می‌دهد. این مرکز همچنین به هنرمندان نیز خدمات ارائه می‌کند و برای کودکان و بزرگسالان کارگاه‌های هنری برگزار می‌کند.
- در سال ۲۰۰۶ مرکز لوریس مالاگوتزی در رگیو امیلیا تاسیس شد که شامل قسمت‌های مختلفی از جمله نمایشگاه‌های مختلف و آرشیو مستندات مهدهای کودک شهر است.